



بسم اللّٰه الرّٰحمن الرّٰحيم

کتاب "رساله محبت" نوشته آیت اللّٰه استاد شجاعی از انتشارات سروش 1387  
به انضمام "نه کلام" در باب معارف الهی

بخش اول / رساله محبت  
فصل اول / ایمان حقیقی، وصف دل و شأن آن است  
فصل دوم / عبادت اصلی، وصف دل و شأن آن است  
فصل سوم / علم و ادراک، در اصل، وصف دل و شأن آن است  
فصل چهارم / تحول دل، حالات و آثار و آداب  
فصل پنجم / محبت  
فصل ششم / آثار محبت و آداب آن

بخش دوم / نه کلام  
کلام اول / معارف در مخاطره دو عامل  
کلام دوم / ضرورت تبیین صحیح معارف و برکات این تبیین  
کلام سوم / تصویر ناصحیح معارف و تبعات آن  
کلام چهارم / غیب روزه و ضیافت الهی  
کلام پنجم / عبودیت

کلام ششم/ آیت خواب و آیت های موجود در آن  
کلام هفتم/ کتاب یا صحیفه عمل انسان-به زبان معروف-نامه عمل  
کلام هشتم/ خواب دنیا و غفلت از عالم عهد  
کلام نهم / حذف ها و تغییرهای سؤال برانگیز

گزیده ای از کتاب رساله محبت:

ایمان حقیقی، وصف دل و شان آن است:

.....

قرآن کریم در آیات زیاد، به مناسبت های گوناگون، با الحان و تعابیر مختلف، و توأم با نکته ها و اشارتها، اهتمام خاصی روی « دلها » داشته، و برای « دلها » و به تبع آنها برای عقلها و فکرها و چشمها و گوشها حساب مخصوصی قائل شده است که متأسفانه مانند بسیاری از حقایق و معارف قرآنی مهجور گردیده است.

آنچه قرآن در این باب بیان فرموده، و اسراری که در آیات همین باب نهفته است، چیزی نیست که بشود در گفته ها و نوشته ها آورد، زیرا علاوه بر اینکه حقایق نوری و مقاصد عالیه قرآن در این باب، مانند ابواب دیگر، چنان که هست، از ما محجوبان مستور است، آن مقدار هم که فهمیده می شود، ممکن نیست همه آن به گفته و نوشته بیاید، برای اینکه قسمتی مخصوص کسانی است که از مکاشفات و مشاهدات صحیح برخوردارند، یعنی یافتنی است و نه گفتنی و شنیدنی، قسمتی بسیار دقیق و عمیق است و برای اکثر اشخاص قابل فهم و هضم نیست، و قسمتی هم که می شود گفت و می شود فهمید، احتیاج به شرح و بسط طولانی دارد.

.....

جان به سوی عرش سازد تُرکناز  
آتش افروزد بسوزد این جهان  
( دفتر اول مثنوی )

گر گشاید دل سرانبان راز  
گر زبان گوید ز اسرار نهان

قرآن کریم، ایمان حقیقی را که در اصل، ارتباط باطنی با خدای متعال، عوالم غیب، و حقایق پشت پرده است، مخصوص دل، وصف آن، و شان آن می داند. مواردی از آیات قرآنی در این باب را در اینجا می آوریم و برای بازگذاشتن مجال تدبیر در آیات شریفه، از ترجمه آیاتی که می آوریم صرف نظر نموده و فقط به ذکر جمله ها و نکته هایی که دال بر مقصود است اکتفا می کنیم، و به تعمق در تدبیر هم توصیه می نمایم.  
1- در آیه 7 سوره مبارکه حجرات می فرماید:

« ... وَ لَکِنَّ اِیَّکُمْ حَبَّۃٌ اِلَیْکُمْ الْاِیْمَانَ وَ زَیِّنَتْهُ فِی قُلُوبِکُمْ وَ کَرَّۃٌ اِلَیْکُمْ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوْقَ وَ الْعِصْیَانَ ... »

این آیه از این معنا خبر می دهد که خدای متعال ایمان را برای مؤمنین محبوب گردانید و آن را در دلها و زبان زیبا و جذاب قرار داد، و کفر و فسق و معصیت را برای آنان منفور کرد. پیداست که چنین ایمانی همان ایمان حقیقی است، زیرا وقتی انسان ایمان را دوست داشت و ایمان در دل او چنان جذاب بود که او را از کشیده شدن به سوی کفر و فسق و معصیت باز داشت، ایمان او ایمان به معنی کلمه، یعنی ایمان حقیقی خواهد بود.

.....

این ایمان دل است که کار ساز است، و آثار و برکاتِ ایمان را در بردارد، آثار و برکاتی که قرآن برای « ایمان » ذکر می کند.

ایمانی که در مرحله فکر و عقل است و در این مرحله باقی است و به دل راه نیافته است، ایمانی ابتدایی و صوری است، و چندان کار ساز نیست.

ایمان که در ابتدای امر به کمک فکر و عقل به دست می آید، و به صورت « عقیده » برای انسان است، مادامی که به دل راه نیافته است، از آثار و لوازم ایمان سهم چندان ندارد.

.....

رمز قضیه جز این نیست که اینها همه آثار ایمان حقیقی، یعنی ایمان راه یافته به « دل » است؛ ایمانی که خدای متعال آن را « ایمان » و صاحب آن را « مؤمن » به حساب می آورد، نه آثار ایمان ابتدایی که ایمان ماست، و مشمول « وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ».

باشد أَشْهَدُ كَقَتْنٍ وَ عَيْنِ بِيَانٍ  
گفته باشد أَشْهَدُ أَنْدَرِ نَفْعٍ وَ ضَرِّ  
که منم محکوم و این مولای ماست  
( دفتر پنجم مثنوی )

پس چنان کن فعل خود کآن بی زبان  
تا همه تن عضو عضوات ای پسر  
رفتن بنده پی خواجه گواست

ادامه دارد...